

نکته ۴) در جائیکه تمییز از ماقبل خود رفع ابهام می کند در اصل فاعل، مفعول^۶ به یا مبتدا بوده است. تمییز اگر در یک جمله اسمیه باشد در اصل مبتدا بوده است. اگر در یک جمله فعلیه باشد و فعل آن لازم باشد در اصل فاعل بوده است. و اگر در یک جمله فعلیه با فعل متعدی باشد در اصل م. به بوده است.

حميدٌ اَكثرُ من سعيدٍ سناً.
سنٌ حميدٌ اَكثرُ من سعيدٍ.

تمييز

مبتدا

سقط السَّقْفِ كوخاً.

فعل لازم

تمييز

سقط كوخٌ السَّقْفِ.

فاعل

رَتَّبْتُ التلاميذَ صفاً.

فعل متعدى م. به تمييز

رَتَّبْتُ صفاً التلاميذَ.

م. به م. اليه

اسمیه باشد در اصل مبتدا بوده است.

فعل لازم باشد در اصل فاعل بوده است.

فعلیه باشد

فعل متعدی باشد در اصل م.به بوده است.

تمییز اگر در یک جمله

نکته ۵) بعد از فعل هایی مانند: ملاً إمّتلاً، فاض، یزداد و... اسم منصوبی که می آید معمولاً تمییز است. پرکرد پرشد سررفت زیاد می شود

فاضَ النهرُ ماءً.
تمییز
رود از آب پر شد.

یزدادُ المؤمنُ ایماناً.
تمییز
مومن از نظر ایمان زیاد می شود.

نکته ۶) اسم منصوب بعد از خیر و شر «تمییز» می باشد: ذلک خیرٌ لک عاقبةً

افعال تمییز طلب: زاد ملا فاض کفی ساء طاب حسن اطمان تقدم تمییز

تفتح نظم

سقط ارتفع کثر احصى اضاف حفظ غرس اضاء فجر رتب جف و ...

(و معانی مشابه این افعال)

وجود افعال تمیز طلب بشرطی ملاک وجود تمیزند که :

اولاً) بعد از آنها در جمله یک اسم جامد، منصوب و نکره داشته باشیم.

ثانیاً) این اسم منصوب نقش اصلی مثل م.به نباشد.